

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 0049 1633458007  
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرین رمضانلی  
Tel: 00491757377539  
E-mail: pramzanali@yahoo.de

# ایسکرا

## ۳۰۶

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۳۰ فروردین ۱۳۸۵ ، ۱۹ آوریل ۲۰۰۶

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیره: عبدال کلپریان

## فراخوان اول مه ۸۵



گویا کارگران در دعوی جاری بین جمهوری اسلامی و آمریکا، پشت سر رژیم اسلامی اند. از همین یک نمونه هم میتوان دریافت که اول مه امسال حائز چه اهمیت سیاسی ویژه ای است. سال گذشته که مضحکه

خانه کارگر جمهوری اسلامی مراسم دولتی روز کارگر (۱۱ اردیبهشت) امسال را در جلوی سفارت سابق آمریکا برگزار میکنند. میخوانند به زور و نیرنگ جمعیتی را جلوی خانه "شیطان بزرگ" شان بیاورند تا اینطور وانمود کنند که

صفحه ۲

## اطلاعیه پایانی پلنوم بیست و پنجم کمیته مرکزی حزب

تشکیلاتی و انتخابات. در مبحث گزارشات نقش ویژه و خطیر حزب در شرایط حاضر در مقابله با دو قطب تروریستی در سطح جهانی، و در رابطه با جنبش سرنگونی و جنبش کارگری در ایران بخصوص پس از مبارزه کارگران شرکت واحد مورد بحث قرار گرفت و بر ضرورت ظاهر شدن

دستور جلسه پلنوم عبارت بود از گزارشهای دبیر کمیته مرکزی، رئیس دفتر سیاسی، و رئیس هیات دبیران، بیانییه در مورد کشمکش میان آمریکا و متحدینش با جمهوری اسلامی، طرح قطعنامه در مورد تحولات جنبش کارگری و ویژگیهای نسل جدید رهبران عملی، چند قرار

پلنوم ۲۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۱۶ و ۱۷ آوریل ۲۰۰۶ (۲۷ و ۲۸ فروردین ۸۵) برگزار شد. این پلنوم یک نشست وسیع بود که در آن علاوه بر اعضا و مشاورین کمیته مرکزی، تعدادی از کادرهای حزب نیز به عنوان ناظر شرکت داشتند.



صفحه ۲

### یک کنگره، یک پلنوم و عزم جزم یک جنبش مصطفی صابر

صفحه ۲

### کنگره اول حزب کمونیست کارگری چپ عراق با موفقیت در عراق برگزار شد

صفحه ۳

### مذهب ناسیونالیزم و اپوزسیون ایران رحیم ساعدی از ایران

صفحه ۴

## جهان به تغییری بنیادی نیاز دارد زنده باد اول مه

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

بارآوری کار بجای آنکه به خوشبختی انسانها بیانجامد به محرومیت اجتماعی بیشتر خود آنها منجر می شود. این نظامی است که "رشد وتوسعه" اقتصادی اش با بیکاری و محرومیت

اعتراض و مقاومت جهانی طبقه کارگر در برابر جهانی است که نظم و مناسبات حاکم بر آن در تضاد آشکار با منافع بشریت قرار دارد. این نظامی است که در آن پیشرفتهای عظیم بشر در تولید و

اول ماه مه روز نمایش عزم استوار طبقه کارگر جهانی برای رهایی بشر از بندگی سرمایه و پایان بخشیدن به فقر و فلاکت سرمایه داری است. مارش جهانی کارگران در اول ماه مه، نماد

صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## اطلاعیه پایانی پلنوم بیست و پنجم . . .

حزب بعنوان نماینده مردم ایران و جنبش انقلابی آنان در سطح جهانی و فراخواندن جهانیان به حمایت از جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران بعنوان راه مقابله انسانی و متمدنانه با میلیتاریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی تاکید شد. این بحث و بررسی در میبحث کشمکش میان دولت آمریکا و متحدانش با جمهوری اسلامی که اولین دستور بعد از گزارشات بود ادامه یافت. پلنوم بیانیه ای که در این مورد پیشنهاد شده بود را در کلیات به تصویب رساند و به دبیر کمیته مرکزی اختیار داد که با توجه به مباحث پلنوم اصلاحات نهائی را در بیانیه وارد کند.

یک دستور مهم دیگر پلنوم بررسی طرح کمپین مالی علنی حزب بود. پلنوم تصویب کرد که حزب یک کمپین مالی علنی با هدف جمع آوری یک میلیون دلار را در دستور کار خود قرار بدهد. در جلسه پلنوم ۲۹ نفر از کادرهای شرکت کننده در پلنوم تعهد کردند که بعنوان اولین قدم این کمپین هر یک ۵ هزار دلار بپردازند. حزب بزودی این کمپین را در یک سطح علنی و وسیع آغاز خواهد کرد.

در دستور تحولات جنبش کارگری طرح قطعنامه پیشنهادی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و از آنجا که تغییرات و اصلاحات

متعددی از سوی نمایندگان پیشنهاد شد پلنوم بررسی و تصویب سند را به دفتر سیاسی سپرد.

در میبحث قرارها پلنوم قراری را مبنی بر قدردانی از ارگانها و رفقای حزبی بخاطر نقشی که در مبارزات کارگران واحد ایفا کردند تصویب نمود. قرار دیگری نیز در رابطه با تکمیل طرح آرایش رهبری حزب تصویب شد. هر دو این قرارها به اتفاق آرا تصویب شدند. چند قرار دیگر نیز به پلنوم پیشنهاد شده بود که بررسی و تصویب آنها بخاطر ضیق وقت به دفتر سیاسی سپرده شد.

آخرین دستور پلنوم انتخاب دبیر کمیته مرکزی و اعضای دفتر

سیاسی بود. پلنوم حمید تقوایی را به اتفاق آرا به دبیری کمیته مرکزی انتخاب کرد. در انتخابات برای اعضای دفتر سیاسی، پلنوم ابتدا تعداد ۱۹ نفر اعضای دفتر سیاسی را که در پلنوم گذشته تصویب شده بود تایید کرد. و سپس این رفاقا به دفتر سیاسی انتخاب شدند: محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، علی جوادی، شهلا دانشفر، سیاوش دانشور، نسرين رضانعلی، بهرام سروش، عصام شکری، مصطفی صابر، حسن صالحی، اصغر کریمی، خلیل کیوان، آذر ماجدی، سیاوش مدرسی، مریم نمازی و کاظم نیکخواه.

در اولین نشست دفتر سیاسی که بلافاصله بدنبال پلنوم برگزار شد رفاقا آذر ماجدی و مینا احدی

کاندید رئیس دفتر سیاسی شدند و مینا احدی به عنوان رئیس دفتر سیاسی حزب انتخاب شد.

پلنوم ۲۵ نمایش غرور انگیزی از شور و شوق و عزم و اتحاد بود. پلنوم، بویژه در مباحث سیاسی در مورد وضعیت خطیر جاری و وظایف تاریخی حزب در این دوره و هم چنین در بحث کمپین مالی، بروشنی عزم و اراده و آمادگی حزب برای انجام وظایف خطیری که در این دوره در پیش رو دارد را به نمایش گذاشت.

**کمیته مرکزی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ آوریل ۲۰۰۶**

## فراخوان اول مه ۸۵

انتخابات بود کوشیدند کارگران را حامی رفسنجانی جلوه دهند که با هو و اعتراض کارگران این کاندید ریاست جمهوری اسلامی حتی جرات حضور در ورزشگاه را نیافت. امسال تلاش اوباش اسلامی خانه کارگر برای کشاندن کارگران به جلوی سفارت آمریکا و پشت سر رژیم جنایتکار اسلامی سرمایه قطعا باید محکم تر از مضحکه انتخاباتی پارسال پاسخ بگیرد. مراسم دولتی نه فقط باید با تحریم وسیع کارگران روبرو شود که کارگران باید مراسم های مستقل خود را با قدرت و وسعت برپا کنند.

این مهم است که طبقه کارگر ایران در اوضاع و احوال سیاسی

کنونی، در شرایطی که کشمکش بین جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی اش از یکسو با آمریکا و شرکایش از سوی دیگر، زندگی ۷۰ میلیون انسان را در ایران و صدها میلیون را در منطقه و جهان در معرض خطر جنگ و تباهی قرار داده است، با پرچم آزادی و برابری خود به میدان بیاید. لازم است که کارگران در اول ماه مه امسال بعنوان نیرویی ظاهر شوند که به نجات خود و کل جامعه از شر جمهوری اسلامی و ورطه هولناکی که سرمایه داران تدارک دیده اند پناذ میبخیزد.

اعتصاب کارگران شرکت واحد و حمایت وسیع داخلی و جهانی از آن شاخص بسیار خوبی است که چگونه

دلیل اوضاع و احوال خاص ایران، وجود یک جنبش وسیع انقلابی و سرنگونی طلبانه، حضور قدرتمند کمونیسم کارگری و حزب آن، و به دلیل اینکه اکنون جمهوری اسلامی در مرکز یک بحران همه جانبه جهانی قرار دارد، میتواند نقش تاریخی در پایان دادن به این عصر سیاه ایفاء کند. اول ماه مه ۸۵ فرصت گرد آوری نیرو، طرح هرچه روشنتر مطالبات، تحکیم اتحاد صفوف کارگران برای ایفای این نقش است.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران را به برپایی مراسم های مستقل اول مه با شعارها و مطالباتی چون آزادی تشکل و اعتصاب، افزایش حداقل دستمزد به ۵۰۰ هزار تومان، انحلال شوراهای

مردم ایران و همینطور کارگران و مردم آزاده جهان چشم به حضور هرچه قدرتمند تر طبقه کارگر ایران در صحنه سیاست دوخته اند. اول مه فرصتی است برای ابراز وجود نیروی رهایی بخش کارگران، فرصتی است برای طرح خواسته ها و مطالبات سراسری کارگران و مهمترین خواسته های مردم. فرصتی است برای اعلام این حقیقت به جهان که کلید واقعی رهایی از شرمب اتم و جنگ و به تباهی کشیدن زندگی بشریت توسط تروریسم اسلام سیاسی و میلیتاریسم دولت آمریکا و متحدانش، عروج طبقه کارگر در پیشاپیش مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد و برابر سوسیالیستی است. طبقه کارگر ایران بی شک به

## یک کنگره، یک پلنوم و عزم جزم یک جنبش

همانطور که میدانید کنگره اول منصور این هفته برگزار شد. اما فقط این نبود. بدنبال این کنگره، پلنوم ۲۵ کمیته مرکزی حزب هم برگزار گردید. الان که این سطور را با عجله مینویسم فقط چند ساعت است که پلنوم (نشست وسیع) کمیته مرکزی تمام شده است. چهار روز گوش دادن و بحث کردن در مورد منصور حکمت و کمونیسم او و در

باره اوضاع و احوال سیاسی ایران و وظایف خطیر حزب کمونیست کارگری. و حالا مانده ام چگونه در چند خط بسیار فشرده تصویری واقعی از این چهار روز به شما ارائه دهم. اما وقتی فکرش را میکنم می بینم یک خط درونی این چهار روز را بهم وصل می کند و آن عزم و اراده کمونیستهای است که حول پرچم مارکس و حکمت جمع شده اند و

مصمم اند که دنیا را تغییر دهند. اگر در کنگره منصور حکمت بحث ها بیشتر جنبه تئوریک و پایه ای داشت در پلنوم کمیته مرکزی مساله طبعاً کاملاً سیاسی، روز و دخالتهای بود. در کنگره حکمت فکر کنیم بالای ۱۲۰ نفر از دستداران حکمت حضور داشتند و در پلنوم کمیته مرکزی حزب هم نزدیک به ۱۰۰ نفر از اعضا و

مشاورین کمیته مرکزی حزب و کادریهای حزب شرکت داشتند. قبل از هر چیز سازماندهی و برپایی دو واقعه مهم و پر زحمت در فاصله ای چسبیده بهم کار سختی بود که رفقای حزب ما از عهده آن برآمد و خوشحال هستیم که بگوییم برویچیه های سازمان جوانان هم تا آنجا که در توان داشتند کمک کردند.

کنگره منصور حکمت با



مصطفی صابر

سخنرانی افتتاحیه آذر ماجدی شروع شد و در روز اول حمید تقوایی، مینا

## کنگره‌ی اول حزب کمونیست کارگری چپ عراق با موفقیت در عراق برگزار شد گزارش از کمیته مرکزی حکمچع ترجمه: آرش سرخ



کنگره، عصام شکری متهم‌های پیشنهادی به برنامه‌ی حزب "دنیای بهتر" را ارائه کرد. این‌ها شامل دو قسمت اصلی می‌شدند: سوسیالیسم به عنوان هدفی که حزب برای دستیابی به آن در عراق مبارزه می‌کند و مسئله‌ی ستم ملی و کردستان. این تغییرات بعدها توسط کنگره به تصویب رسیدند. روز دوم کنگره با نام‌های حمید تقوایی، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران خطاب به کنگره آغاز شد. این نامه توسط عصام شکری خوانده شد. سپس خبات مجید بحث خود در مورد استراتژی حزب کمونیست کارگری چپ عراق را آغاز کرد. در این سخنرانی او در مورد وضعیت سیاسی در عراق و پاسخ حزب به مسئله‌ی اشغال، سناریوی سیاه، عدم امنیت، سلطه‌ی نیروهای نظامی اسلامی و ناسیونالیسم، تقسیم جامعه به پایه‌های سکنی و قومی و فروپاشی جامعه مدنی صحبت کرد. پاسخ حزب به این مسائل در خواست برپایی دولت سکولار و جامعه مدنی منعکس می‌شد. توضیح داده شد که برپایی دولت سکولار در عراق امروز وظیفه‌ی طبقه‌ی کارگر و به طور مشخص، کمونیست‌هاست. سپس کنگره به اتفاق آرا قطع‌نامه در مورد استراتژی حزب را تصویب کرد. آزاد حمه کریم مطلب خود در مورد استقلال کردستان را معرفی کرد و

در آن به شرح ضرورت خواست استقلال کردستان جهت فاصله گرفتن مردم از سناریوی سیاهی که در سایر بخش‌های عراق در جریان است و جنگ تروریستی بین دو قطب تروریسم یعنی تروریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلام سیاسی و افشای قدرت‌های حاکم ناسیونالیستی در کردستان و پیش بردن مبارزات مردم کردستان به سوی سوسیالیسم. سپس قطع‌نامه‌ای در مورد استقلال کردستان توسط اکثریت به تصویب رسید. سپس کنگره مجموعه‌ای از قطع‌نامه‌ها را به تصویب رسید، که به این قرار هستند: در مورد جایگاه رفیق حمید تقوایی در جنبش کمونیستی کارگری، در مورد رابطه با حزب کمونیست کارگری ایران، در مورد "حزب کمونیست کارگری عراق"، در مورد موضع حزب کمونیست کارگری چپ عراق در مورد سازمان آزادی زن عراق. پیش از پایان کنگره برای انتخاب کمیته مرکزی حزب رای گیری شد و این رفاقت برای کمیته مرکزی انتخاب شدند: سمیر نوری، خبات مجید، فلاح کریم، آزاد حمه کریم، سردار عبداللہ حمه، صباح ابراهیم و عصام شکری. کمیته مرکزی به اتفاق آرا عصام شکری را به عنوان دبیر خود انتخاب کرد. تمام اسناد کنگره به زودی به چاپ خواهند رسید.

آسنگران. در پایان کنگره دو تن از مهمانان، پروین محمد و کروان مجید، عضویت خود در حزب را اعلام کردند. سخنرانی اختتامیه فاتح بهرامی در مورد اهمیت کنگره و موفقیتش در انجام وظایف اصلی آن و تاکید بر اهمیت وظایفی که کنگره مقابل حزب گذاشت و ساختن حزب بود.

سپس اولین پلنوم کمیته مرکزی حزب با اکثریت اعضا برگزار شد. قرار برای اضافه کردن ۴ مشاور به کمیته مرکزی به تصویب رسید: کروان مجید، سرگل احمد، علی هادی و کاوه عمر. قرار دیگری نیز در مورد شیوه رهبری به تصویب رسید. سپس مسئله‌ی مالی، رهبری، و وظایف کمیته مورد بحث قرار گرفت و انتخابات دفتر سیاسی صورت گرفت. اعضای دفتر سیاسی به این قرار انتخاب شدند: سمیر نوری، خبات مجید، فاتح بهرامی، آزاد حمه کریم، سردار عبداللہ حمه، صباح ابراهیم و عصام شکری. کمیته مرکزی به اتفاق آرا عصام شکری را به عنوان دبیر خود انتخاب کرد. تمام اسناد کنگره به زودی به چاپ خواهند رسید.

### کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق ۶ آوریل ۲۰۰۶

بسیار خوب و روشنی در زمینه‌ی اوضاع سیاسی و کشمکش بین آمریکا و دول غربی از یکسو و جمهوری اسلامی از سوی دیگر بویژه از سوی حمید تقوایی ارائه شد که علی القاعده اسناد آن منتشر خواهد شد.

جوهر بحث این بود که چگونه در دور آتی حزب کمونیست کارگری باید با تمام قوا در صحنه سیاست ایران ظاهر شود و اجازه ندهد زندگی مردم در جنگال جمهوری اسلامی و آمریکا له شود. این همان لحظه حساس و تعیین کننده‌ی ای است که ما باید بتوانیم در همین اوضاع و

احوال با همه پیچیدگی هایش به مردم نشان بدهیم که شایسته بدست گرفتن سرنوشت جامعه و نجات آن از جهنم هولناکی که بورژوازی برای آن تدارک دیده، هستیم.

پلنوم همچنین مباحث خوبی در مورد موقعیت جنبش کارگری و طیف جدیدی از رهبران کارگری داشت و بلاخره مساله مهم اوضاع مالی حزب را در دستور قرار داد و به نتایج بسیار امید بخشی رسید. مصوبات و تصمیمات را طبعاً حزب انتشار خواهد داد. اما همینقدر این خبر خوش را بدهم که حزب مصمم است با جمع آوری و تأمین منابع

### از صفحه ۲ یک کنگره، یک پلنوم . . .

از منصور حکمت در می‌گرفت. در کنگره سخنرانی ای از منصور حکمت بخش شد. اما پلنوم ۲۵ به نظر من گام‌های بلندی برای آماده کردن حزب برای ورود به دوره خطیر و حساسی که جامعه ایران وارد آن شده است، به جلو برداشت. علاوه بر بحث گزارش‌ها که انعکاسی از پیشروی‌های مهم حزب در دوره اخیر (بویژه نقش برجسته حزب در جریان اعتصاب کارگران شرکت واحد) بود، مباحث سیاسی

احدی، فرزاد ادیبی و سیاوش دانشور صحبت کردند و روز دوم علی جوادی، شهلا دانشفر، هما ارجمند سمیر نوری و آذر ماجلی سخنرانی داشتند.

سخنرانی‌ها در مورد جوانب مختلف نظریات و درافزوده‌های منصور حکمت بود. در پایان هر روز هم پانلی متشکل از سخنرانان به سوالات حضار پاسخ می‌گفت و عملاً نوعی بحث آزاد را حول مباحث کنگره و برداشتهای مختلف

مالی لازم به کمک مردم، رادیو انترناسیونال را مجدداً راه اندازی کند، برنامه‌های کانال جدید را علاوه بر تله‌استار بر ماهواره هاتبرد نیز پخش کند.

خلاصه، این پلنوم در واقع پلنوم عزم جزم کردن حزب برای دوره خطیر آتی بود. همان نکته‌ای که منصور حکمت از سالها پیش میکوشید حزب را برای آن آماده کند. شخصاً فکر می‌کنم این پلنوم به انتظاراتی که جامعه اکنون از حزب کمونیست کارگری دارد کاملاً آگاه بود و پاسخ‌های مناسبی داد.

•••

## مذهب ناسیونالیزم و ...

کسانی که از مناسبات برابر و ناعادلانه سود می برند ابزارهای مورد نیاز دارند تا به وسیله آن بتوانند سیاستهای خود را اعمال نمایند. به همین منظور طبقات حاکم که از زندگی سرشار از رفاه و آسایش و ثروتهای کلان برخوردارند برای تداوم این وضعیت بخش عظیمی از امکانات خود را صرف بدست گرفتن باز تولید و تریج این ابزارها می نمایند و برای اینکه توده مردم درک و توضیح درستی از زندگی، سرنوشت و راه‌های خود نداشته باشند متوسل به ابزارهایی می شوند تا در پایین نگه داشتن آگاهی عمومی موثر و در نتیجه تاریخ و زندگی را آنطور که مطابق تأمین منافع طبقاتی خود باشد تعریف می کنند.

مذهب و ناسیونالیزم از مهمترین ابزارهای هستند که در طول تاریخ و از جمله در دوره معاصر در برابر جنبشهای برابری طلبانه قرار گرفته و طبقات حاکم در ترویج و باز تولید آنها علیه توده های مردمی نقش برجسته ای داشته اند.

بدون تردید در صورتی که دولتها و احزاب دولتی و غیر دولتی به عنوان ابزاری در خدمت مذهب یا ناسیونالیزم قرار گیرند رابطه و تاثیر آنها با جنبشهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه مورد توجه قرار می گیرد. لذا چون این مقاله به مبانی نظری و مواضع عملی اپوزیسیون ایران در رابطه و برخورد با مذهب و ناسیونالیزم می پردازد. در اینجا به تعریف کوتاهی از مذهب و ناسیونالیزم و رابطه این دو با آزادی و برابری می پردازم و بحث را با تقسیم بندی اپوزیسیون ایران آغاز می کنیم.

اگر به این تعریف از آزادی برسیم که آزادی عبارت از آزاد بودن ابزار وجود و طرح کلیه مطالبات و نظرات انسان بدون هیچ قید و شرطی است، مذهب به عنوان عنصری ایستا و جامد بزرگترین مانع آزادیها و مطالبات انسانی در مقابل بروز و طرح خواسته های جدید انسانهاست که آیه ها و احادیث آن تغییر ناپذیر و هرگونه دخل و تصرفی گناهی نابخشودنی قلمداد می شود. بنابراین مذهب و آزادی در تضاد

عقب‌نگه داشتن آگاهی عمومی بهره می گیرند. همان گونه که اشاره کردم ناسیونالیزم از جمله این مقولات است.

جدا سازی انسانها به بهانه های مذهبی ملی و قومی نژادی و جنسی به منظور درهم شکستن اتحاد طبقاتی توده های فرودست چیزی است که طبقات حاکم در طول تاریخ از آن استفاده کرده اند. در دوران معاصر هم سرمایه داران و دولتهای آنان با ترفند های مختلف این را دنبال می کنند. ناسیونالیزم مقوله برجسته این سیستم و نمونه سازمان یافته و تئوریزه شده آن در عصر امرواست. آنان با به رسمیت نشناختن حق برابری برای هم شهروندان عملاً بخشی از مردمان جامعه را به صرف اینسکه با زبان دیگر تکلم دارند از یک سری حقوق و مزایا نسبت به بخش دیگر جامعه محروم و در نتیجه خواسته های ملی را به صدر مطالبات آن جامعه هدایت می کنند. این سیاست با یک ترفند کاملاً زیرکانه، اثری انقلابی و طبقاتی توده های زحمتکش جامعه را به انحراف می کشاند. گویا که با رسیدن آن بخش محروم به خواسته های ملی، دیگر معضل و مشکلی نخواهد بود. این یک دروغ بزرگ است.

اینجا به همین بسنده می کنم که چگونه سرمایه داران در برابر طبقات زحمتکش در سراسر دنیا علیرغم اختلاف در تعلقات ملی مذهبی قومی و نژادی امپراطوری وسیعی تشکیل داده اند و کمپانیها و شرکتهای تجاری و اقتصادی مختلفی را برای انباشت سود در اقسا نقاط دنیا ایجاد کرده اند. این مسئله در مورد روابط بین المللی و دیپلماتیک دولتهای سرمایه داری نیز صدق می کند. مثلاً جمهوری اسلامی علیرغم پرو پاگاندا مسخره اسلامی، روابط دیپلماتیک تجاری و اقتصادی خود را با دیگر کشورها بر اساس مذهب و زبان و نژاد آنها تدوین نمی کند. آنچه برای او مهم است آن رابطه تجاریست که منافع اقتصادی و سیاسی او را بتواند تأمین نماید.

بنابراین عرق ملی برای سرمایه داران و دولتهای آنها پوچ و بی معنی است. اما برای توده های مردم این امر مقدس قلمداد می

کنند. بنابر این اشناری از طیف طبقات محروم که این عرق ملی در آنان مقدس و مورد احترام شده است، متوجه این ترفند قالب شده به خود نیستند. آنها نمیدانند که این احساس و تعلق ملی و مذهبی ... ذره ای به منافع طبقاتی آنان مربوط نمی شود. به این اعتبار ناسیونالیزم نه تنها با آزادی انسان بیگانه است بلکه با برابری انسانها در تضادی عمیق قرار دارد.

نقد مذهب و ناسیونالیزم و سایر سیاستهای راسیستی و چشم انداز آنها در آینده سیاسی ایران در این دوره از اهمیت زیادی برخوردار است. من سعی میکنم که جریانات و جنبشهای معینی را در این راستا مورد بحث و بررسی قرار دهم. ۱- دوم خردادها ۲- سلطنت طلبها ۳- جمهوری خواهان ۴- چپهای سنتی ۵- ناسیونال چپهای محلی ۶- کمونیستهای کارگری

**دوم خردادها:** در تعریف این گروه از اپوزیسیون می توان گفت بخشی از بدنه جمهوری اسلامی بودند که در سالهای اولیه به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی پستهای مهم و امنیتی رژیم را اشغال کرده و در جنایات سالهای اولیه انقلاب دست بالایی داشتند (چهره های چون خاتمی - خلیلی - حجابیان - جلالی پور - بهادین ادب - گنجی ... ) که با شروع جنگ و تداوم آن در مقابل جناح رقیبشان قدرت و نفوذ را از دست داده و به حاشیه رانده شدند، با پایان گرفتن جنگ و گسترش اعتراضات و مبارزات دانشجویان و کارگران و توده های مردم در دهه دوم سر کار آمدن جمهوری اسلامی، این طیف برای اعاده قدرت و از سر دلسوزی برای

نظام، نماینده رسمی نجات جمهوری اسلامی از بن بست شدند که در آن گرفتار شده بود. اعتراضات مردم را می بایست با شعارهای فریبنده فرو نشاند. جنایتکاران اولیه جمهوری اسلامی که "انسانیت، آزادیخواهی و ترحم" خود را از سنگهای آدم کشی و تیرباران و اسید پاشی و شلاق و شکنجه آموزش دیده بودند، به نماینده آزادی و به جبهه اصلاح طلب آزادی آور تبدیل شدند. خیل وسیعی از "اپوزیسیون" ایران که خود را در تقابل با خواسته های انقلابی مردم را می دید با

سیاستهای دوم خرداد هماهنگ شد. آنان در تضاد با منافع مردم يك بار پشت خمینی رفتند و اینبار هم با عروج دوم خرداد در کنار خاتمی قرار می گرفت و به این جبهه پیوستند. اما هلهله کنان این جبهه فقط نیروهای ملی اسلامی نبودند.

سلطنت طلبیان، جمهوری خواهان، ناسیونالیستهای کرد هم در جشن دوم خردادها شرکت کردند و وفاداری خود را مستقیم و غیر مستقیم ابراز داشتند. در انتخابات ۷۶ همه این طیفها مسرور از پیروزی جشن به پا کردند. تریبونهای آمریکا - اسرائیل - بی بی سی - ایران فردا و ... به تقویت این جنبش پرداختند و همگی به جبهه دوم خرداد یعنی در کنار جنایتکاران "اصلاح طلب شده" به نجات جمهوری اسلامی مشغول شدند.

در بطن همین اقدامات فریبکارانه برای مهار کردن جبهه سرنگونی طلبی ما شاهد تغییرات مهمی بودیم. جبهه سرنگونی طلبی پرچم مبارزه علیه کلیت جمهوری اسلامی را برافراشته و امروز بعد از سالها مبارزه و پیشروی که منجر به شکست اصلاح طلبان شده است همچنان بر لغو حجاب اجباری، برابری زن و مرد و نان و آزادی برای همه پا می فشارد و بی اعتنا به جناحهای رنگارنگ جمهوری اسلامی و پشت جبهه آنان در خارج کشور به مناسبتها و بهانه های مختلف علیه جمهوری اسلامی به پا خواسته ۱۸ تیر و ۱۶ آذر و ۸ مارس و اول ماه مه و چهارشنبه سوری و فوتبال و ... را به سنگره های مبارزه علیه تمامیت رژیم تبدیل کرده است.

"نظام مقدس" دوم خردادها که به شدت زیر فشارهای تعرضی مردم قرار گرفت يك بار دیگر مدافعین نظام را دچار تشتت کرد. این بار نیز منجیان نظام برای جلوگیری از خیزش مردم به دو دسته تقسیم شده اند. جناح قدره بلند رژیم، دوم خردادها را کنار زدند و خود کل سیستم حکومتی را در دست گرفتند. این بخش از این منجیان با ملتاریز کردن میادین و معابر و خیابانها و پیاده روها در موضعی دفاعی قرار گرفته است. و بخش دیگر که شکست خوردگان اصلاح

## از صفحه ۴ مذهب ناسیونالیسم و ...

طلب دوم خرداد را شامل می شود برای جلوگیری از يك انقلاب عظیم توده ای با دوستان خارج از کشور حول فرمانده متحد شده است. برای توضیح اینکه این جریان در صورت به قدرت رسیدن چه برنامه و سیاستهایی را به اجرا در خواهد آورد باید جبهه دوم خرداد داخلی را از سرنوشت دوستان خارج از ایرانشان را جداگانه بررسی کرد.

چرا که اتحاد فعلی و شعار مشترک فرمانده به ناچار و به منظور به انحراف کشیدن مبارزات جاری مردم اتخاذ شده و به خودی خود نمی تواند حکومت آتی آنها را تعریف کند. اما برابری آنها هر دو مذهب و ملت به مثابه رکن اصلی و جدایی ناپذیر جامعه و دولت دارای اهمیت ویژه است.

## سلطنت طلبها:

مجموعه این جریان را سران ساواک و شکنجه گران رژیم پهلوی و افراد وابسته و نزدیک به دربار سلطنت شکل می دهند که حکومت مستبد و ضد آزادی آنان با انقلاب عظیم توده های مردم در سال ۱۳۵۷ به زیر کشیده شد. این جریان برای اعاده قدرت از کف رفته خود تلاش میکنند. در خارج از کشور با تمام امکانات و ثروتهای کلانی که در اختیار دارند مشغول به فعالیت هستند. از حمایت های مادی و معنوی آمریکا نیز بی بهره نیستند و سیاستها و شعارهای آنان به صدر رسانه های غربی و اسرائیل و آمریکا رانده می شود. فرمانده از جمله شعارهایی است که طراحان اولیه این متعلق به آن جریان می باشد. این گروه در صورت اعاده قدرت که احتمالاً آلتزانتیو مورد نظر آمریکا برای آینده ایران نیز می باشند، اختناق شدید از نوع حکومت سابق پهلوی اعمال خواهند کرد. به عنوان بزرگترین متحد بی چون و چرای آمریکا و اسرائیل به خدمت منافع آنها در خواهند آمد.

با توجه به اتکالی اینها به ناسیونالیسم ایرانی و شعار "تمامیت ارضی و مرز پرگهر" مردم را به شدت سرکوب خواهند کرد و حقوق و مزد کارگران بستگی به شرکتهای تجاری و بین المللی دارد که سود برای آنان در وهله اول قرار دارد.

اوضاع سیاسی میسوزد.

## جبهای سنتی:

جریانهای چپي که نه شکست بلوک شرق نه جنگ خلیج و نه حوادث ۱۱ سپتامبر آنانرا بازتعریف نکرد، کماکان بر سنتهای حاکم پای میفشازند. حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن کومله، چریکهای فدایی اقلیت، راه کارگر، و دیگر جریانهای حاشیه ای به این صف تعلق دارند. درحالی که کمونیسم رسالتی جز نقد سرمایه داری و تغییر آن ندارد. این جریانها تنها به نقد نارسائیهای این نظام میپردازند و به آن بسنده کرده اند. اینها به تصرف قدرت سیاسی بوسیله چپ که کانال تغییر و براندازی سرمایه داری است اعتنا نمی ندرند.

با رادیکالیسم و اکتیوی بودن که پایه های این نقد و تغییراند بیگانه اند و به قول منصور حکمت یا رادیکالیسم و خاموش یا فعالندوستی. درک درستی از جامعه شناسی ایران و باورهای واقعی و خواسته های رادیکال و رویه رشد مردم ندارند. بانسل جوان ایران که بیزار از مسجد و آخوند نماز و روزه و حجاب است بیگانه اند. با نسل عاشقان رقص و موسیقی و پوشش آزاد، بیگانه اند. در نتیجه خود را ملزم میدانند به مذهب و ملیت و قوم پرستی بعنوان باورهای مردم احترام قائل شوند. در برخورد با آنها محتاط و میانه رو میباشند.

براستی اینها چه چیز خطرناکتری از ترویج جهل و خرافه بر سر راه آزادی و برابری انسانها می بینند که این چنین در مقابل این امپراطوری گسترده ترویج خرافه سکوت کرده اند. بهرحال برای این جریانها باورهای فوق هیچ عمر سیاسی جدی قابل تصور نیست. اما در میان خواب خوش اینها جبهه چپ یا راست جامعه به هر حال به قدرت میرسد و سرنوشت جامعه را رقم میزند. چیزی هرگز این جریانها به آن نمی اندیشند. اینها در بهترین حالت دنباله روان قطبهای سیاسی جدی در ایران هستند.

## ناسیونال چپهای محلی:

زیر مجموعه این جریان "کمونیستهای" هستند که سابقاً خود را کمونیست و حتی کمونیست کارگری میدانستند. گرایش ناسیونالیسم کرد متأسفانه آنها را با خود برده و صفره خود را در

کنار احزاب ناسیونالیستی پهن کرده اند. با شکست بلوک شرق، از جمله کمونیستهایی بودند که برای باز تعریف خود حتی به کمونیسم کارگری متوصل شدند. اما با جنگ خلیج و تغییر توازن قوا به نفع ناسیونالیسم کرد در عراق به تعبیر این خواب پرداختند که می توان زیر سایه و چتر ناسیونالیسم کرد و پرواز ممنوع دیگری، به هدف سیاسی مورد نظرشان برسند. متأسفانه مرگ منصور حکمت فضا را برای اینها مهیا کرد که با حمله به کمونیسم کارگری این راه را آغاز کنند. اینها تعدادی از منشعبین از حزب کمونیست کارگری هستند.

بنابراین اینها ناچارند چرک نویس های اتحادیه میهنی در مورد فدرالیسم را بازخوانی کرده و در مدت کوتاهی آنرا به عنوان آلتزانتیو و افق سیاسی خود تعیین کنند. اینها فعلاً در قطب مخالف فدرالیسم هستند اما سیر طبیعی آنها به اینجا ختم خواهد شد. با شناخت پتانسیل قوی جنبش کارگری در کردستان هنوز ناچارند که پز رادیکالیسم را حفظ کنند. اما راهی بجز پیوستن به ناسیونالیسم کرد ندارند. اینها در تب مذاکره و کنار آمدن با ناسیونالیسم کرد میسوزند. نامه ریوار احمد شعبه عراقی اینها برای جلال طالبانی و اتحادیه میهنی و تلاش برای مذاکرات با آنها از طبقات این سیاست است.

اینها سیاستی شبیه به سازمان زحمتکشان را نمایندگی میکنند اما تلاش میکنند که ظاهری چپ به آن بدهند.

در حالیکه در کشورهای توسعه یافته غرب ما شاهد براندازی مرزهای ملی، قومی، نژادی، جغرافیایی و اقتصادی و... هستیم مبارزان راه فدرالیسم در جستجوی رهبر و حزب سیاسی برای ترکمن و لر و آذری و بلوچ و عرب در ایران هستند. اینها تلاش میکنند تا خود را برای پارلمان ملتها آماده کنند و با احساسات ناسیونالیستی و نژاد پرستانه مردم دامن زنند. به نظر آنان کرسی پارلمان برای انسانها (به قول خود برای يك ملت) مهمتر از عدالت و آزادی برای آنان است. جریان منشعب با این سیاستها

ناچار است به این کمپ نزدیک شود. در مقابل این طیف رنگا رنگ ناسیونالیسم کرد، مردم بیجان آمده از فقر و بیکاری و گرسنگی باید خود را متشکل کرده و هرچه زودتر چپ را و حزب پرچمدار چپ در ایران را تقویت کنند. جریانات ناسیونالیستی تلاش میکنند که رهبران سیاسی خود را تعیین و کرسی های خیالی خود را از میان همزبانان خود در پارلمان مورد نظرشان را بدست آورند.

براستی برای يك انسان در موقعیت کارگر و محروم چیزی مسخره تر از این نیست که به جای مبارزه برای نان و برابری و آزادی و احساس همدردی مشترک با دیگر هم سرنوشتان خود در داخل يك کشور به قدرت ملی چند مفت خور سرمایه دار همشهری مشغول شود. کسانی که هر روزه خون آنها را مکیده و تلاش میکنند آنها را بجان هم طبقه ایهای خود در چند کیلومتری او بیاندازند.

در اینجا نمی خواهیم وارد این بحث شوم که نفس حکومتهای ملی با مکانیزم های اقتصادی و سرمایه داری به خودی خود رفاه و خوشبختی و آسایش را برای شهروندان خود به آرمغان نمی آورد. کما اینکه در کشورهای ملی چون ترکیه و کشورهای تازه به استقلال رسیده شوروی چون آذربایجان، تاجیکستان، ازبکستان و دیگر کشورهای ملی این حقایق را دیده ایم.

اما فدرالیسم و سیستم پارلمانی که نوعی از حکومتهای ملی سرمایه داری است نه تنها موجبات رفاه و آسایش و آزادی بیان و هم زیستی مسالمت آمیز مردم منتسب به قومیتهای مختلف را فراهم نمی کند بلکه حکومتهای پارلمانی این چنینی هر کدام بنا به ضرورتی که برای وجود خود به آن نیاز دارند به تحریک احساسات ناسیونالیستی یا مذهبی مردمان تحت حکومت خود می پردازند و زمینه پیشبرد منافع اقتصادی و سیاسی خود را فراهم می آورند. این جریانات آنچه در جامعه می کارند دشمن تراشی و تقدس گرایی که با اصول هم زیستی مسالمت آمیز و آزادی بیان و عقیده در تضاد می باشد. اما تا جای که

## از صفحه ۵ مذهب ناسیونالیسم و ...

به ایران بر می گردد فدرالیسم نه تنها با ویژگیهای تاریخ سیاسی ایران بلکه با روحیات و انتظارات امروزی مردمان آن نیز بیگانه است. مردم امروز در ایران آزادی و رفاه و برابری میخواهند. این مطالبیه ربطی به خواسته های عقب مانده عشایری و قومی و فدرالیستی ندارد. سازمان زحمتکشان مهستی با مقایسه دو جامعه ایران و عراق و نگران از شعارها و مطالبات و اعتراضات مردم، به آمریکا دل بسته است. لازم به توضیح است که این جریان به هنگام حمله آمریکا به عراق در مقابل تمام روشنفکران و آزادیخواهان دنیا قرار گرفت. به اردوی جنگ طلبان اسرائیل و آمریکا پیوست. اینها میخواهند دمکراسی از طریق بمب خوشه ای و اتمی به ایران بیابند. ناسیونالیسم جوهر اصلی و سیاست محوری این جریان بوده و مذهب به عنوان باورهای "محترم" مردم جایگاه

خاصی در میان آنها پیدا کرده است. **کمونیسم کارگری** : منصور حکمت در سال ۹۱ در مقابل کمونیستهای غیر کارگری، حزب متشکل این جریان را بنا نهاد. بر اساس اهداف تعریف شده این جنبش آزادی و برابری، این دو آرمان بشریت محور سیاستهای این حزب قرار گرفت. او اعلام کرد سقوط بلوک شرق به معنای پایان تاریخ و خواسته های عمیق انسانی نیست. همانگونه که سرمایه داری برای بقای خود و انباشت سرمایه به استثماربازار آزاد دنیا نیاز دارد، کارگر نیز برای رهایی خود از استثمار و نابرابری به کمونیسم و قدرت سیاسی برای اجرای این نوع کمونیسم نیاز دارد.

بنابراین این جنبش خود را متعهد به پاسخگوی مارکسیستی به مسائل و مشکلات امروز جامعه و جنبش کارگری و طبقات زحمتکش می داند و به مبارزه و

افشاگری علیه طبقات و افکار غیر کارگری می پردازد. این جنبش تنها جریان چپی است که فعال و رادیکال در صحنه سیاست در ایران، خواهان بر چیده شدن بساط مذهب از دولت و آموزش و پرورش در جامعه است. علیه تز و تئوری های رنگارنگ سرمایه داری که در تضاد با منافع طبقه کارگر است می باشد. به مبارزه و افشاگری علیه دشمنان طبقاتی خود می پردازد و خواهان لغو حجاب اجباری، برابری زن و مرد، ممنوعیت حجاب بیجه ها و الغای کار مزدی و پایان استثمار و بردگی است. به همین جهت تمام کسانی که با مکین خون کارگران در ناز و نعمت زندگی می کنند را دشمن آزادی و برابری اعلام کرد. به همین دلیل ناسیونالیسم و مذهب علیه این جریان موضع گرفته اند. قدرت تشویک این جریان در رد نسبیست فرهنگی که رادیکالیسم نو پای جهان سوم را نشانه گرفته بود می توان دید. نسبیست فرهنگی که تقدیر و

سروش و وحشتناک زنان و مردان کشور های اسلام زده و دیگر فرهنگهای پوسیده جهان سوم را توجیه می کرد و مردمان تحت ستم رژیم های دیکتاتوری را در آن سوی دیوارهای بلند به تنهایی رها می کرد را به چالش طلبید و نقد کرد. این جریان موجبات گسترش موج رادیکالیسم نو پای جامعه ایران و پافشاری بر مدرنیسم و یک جامعه در خور انسان امروزی را در میان نسل جوان، کارگران، زنان و دانشگاهیان را فراهم کرد. سد بزرگی در مقابل جنبشهای ملی مذهبی و قومی به وجود آورده است. شعارها و مطالبات دانشجویان کارگران و معلمان در سالهای اخیر تماما انعکاسی از سیاستهای این جریان را در خود به همراه داشته است. تمام بند و بستهای دول غربی با سران جمهوری اسلامی چون کنفرانس برلین، اهدای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی، رفتارندوم اسلامی های پاستوریزه شده، فدرالیسم ناسیونالیست های قومگرا

و... را نقد و در آگاهی بخشیدن به جامعه نقش بسزای داشته است. نفوذ و فعالیت این جریان با شعارهای چپ و رادیکال و برابری بخشی چون زنده باد آزادی و برابری، نان و آزادی برای همه، سوسیالیسم به پا خیز برای رفع تبعیض، تنها راه رهای سوسیالیسم و... را به پرچم اعتراضات بخش های مختلف جامعه تبدیل کرده است. این جنبش علیه هرگونه آلترناتیو تئوری و ترفندی که در منافات با آزادی بی قید و شرط انسانها و برابری آنان در برخورداری از ثروتهای جامعه باشد به مبارزه پرداخته است. مذهب و ناسیونالیسم از جمله این تز و تئوریهایی است که کمونیسم کارگری با آنان سر سازش نخواهد داشت. برای براندازی نظام سرمایه داری حاکم و برقراری جمهوری سوسیالیستی و رسیدن به جامعه ای آزاد و مرفه این جریان جدی و در میدان است.

**زنده باد آزادی برابری  
حکومت کارگری  
( زنده باد منصور حکمت )**

## جهان به تغییری بنیادی نیاز دارد

از صفحه ۱

کارگران و جوانان همراه است. این نظامی است که انحصار اقلیتی ناچیز بر وسایل کار و تولید، بشر را از شر و قدرت معجزه آفرین کار خود محروم می کند. این نظامی است که رمز بقای خود را در تعرض به حقوق پیران، بیماران و امکانات رفاهی کودکان می داند. این نظامی است که علیرغم پیشرفت شگرف علم و دانش، به اشاعه جهل و باورهای خرافه آمیز مذهبی مبادرت می کند چرا که خرافه و دستگاه مذهب به طول عمرش می افزاید. این نظامی است که مدافعینش برای تداوم سروری و آقایی خود بر جهان، بمبی ندارند که با راه انداختن جنگ شيرازه جوامع انسانی را از هم بگسلند.

مه نوید دهنده تغییر و برپایی يك دنیای دیگر است. دنیایی که در آن غذا، مسکن، پوشاک، بهداشت و وسایل برآورده کردن نیازهای بشری در همه نقاط به رایگان در اختیار همه است. جهانی که امکانات کار و تولید اجتماعی در مالکیت مشترک همه است و همه شهروندان در دسترسی به امکانات کار و فعالیت اجتماعی و بهره مندی از ثمره آن برابرند. جهانی که در آن از استثمار، ستم، جنگ و سرکوب و تفرقه قومی و مذهبی خبری نیست. جهانی که آزادی و احترام بشر حکم اول جامعه است و تکامل آزاد دیگران است.

کارگران نیروی متحقق کننده چنین دنیایی هستند. اول مه روز رژه جهانی کارگران برای به خط کردن و

جنگی دیگر رویر و ساخته است. بهانه اینبار تولید سلاح هسته ای از سوی جمهوری اسلامی ایران است. این کشمکش مخاطره آمیز را تشکیل می دهد که جنگ را برای خود نعمت آسمانی میداند. این رژیم مذهبی سرکوبگر در حلقه نفرت و اعتراض مردمی قرار دارد که رفتن آن را روزشماری می کنند و مترصد به زیر کشیدن آن هستند. جمهوری اسلامی با مجهز شدن به سلاح هسته ای و با رفتن به پیشواز جنگ می خواهد نارضایتی گسترده کارگران، جوانان و زنان ایران را سرکوب کند و حیات خود را تداوم بخشد. جا دارد که در قبال چنین وضعیتی کارگران و شرکت کنندگان در تظاهراتهای اول مه صدای بشریت مترقی و آزادیخواه را طنین انداز کنند. از نظر ما هر دو طرف این مناقشه باید محکوم شوند. راه جلوگیری از تکرار آنچه که در عراق

میدان آملن کارگران و مردم جهان در مقابل میلیتاریسم آمریکا و متحدینش و جمهوری اسلامی ایران هر دو با هم است. ما همه کارگران را فرا می خوانیم که با شعار "نه به حمله نظامی آمریکا و نه به جمهوری اسلامی" حمایت خود از مبارزات کارگران و مردم ایران را با صدایی رسا اعلام کنند. با اعلام همبستگی جهانی با مبارزات کارگران و مردم ایران، به تقویت آن نیروی مردمی برخیزیم که با سرنگونی جمهوری اسلامی راه حل فوری جلوگیری از بروز يك جنگ احتمالی را در دست دارد.

**زنده باد اول ماه مه!  
زنده باد همبستگی جهانی  
طبقه کارگر!  
زنده باد سوسیالیسم!**

**تشکیلات خارج کشور حزب  
کمونیست کارگری ایران**

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**